اعدام یکی از مأموران شکنجه‌گر سازمان امنیت

بالاخره سرگرد نیک طبع مأمور عالیرتبه ی اداره‌ی اطلاعات شهربانی و سازمان امنیت و سو بازجوی معروف کمیته‌ی به اصطلاح ضد خرابکاری به سزای جنایتهای ننگینش رسید

در ساعت هفت و پانزده دقیقه بامداد روز دوشنبه نهم دی ماه ۱۳۵۳، حکم اعدام انقلابی سرگرد علینقی نیک طبع یکی از کثیف‌ترین مزدوران دستگاه پلیسی و امنیتی دولت شاه توسط یك واحد از رزمندگان "سازمان چریکهای فدائی خلق" به مورد اجرا درآمد و خاك میهن از لوث وجود یك جنایتکار پلید پاك شد.

در این عملیات که در خیابان متین‌دفتری واقع در خیابان پاستور تهران، در ۳۰۰ متری کاخ نخست وزیری و در بسار شاه خائن انجام شد، نیك طبع جلاد هنگامیکه با اتومبیل همراه با دخترش از خیابان متین دفتری عبور می‌کرد با راه بندان ساختگی رفقا مواجه گردید و به رگبار مسلسل بسته شد و بلافاصله تیرخلاص توسط فرمانده‌ٔ عملیات به وی شلیك گردید

به‌علاوه با توجه به اینکه چند دقیقه بعد از عمل سایر مزدوران کثیف سازمان امنیت و شهربانی به آنجا خواهند رسید و عبور و مرور مردم را قطع خواهند کرد، تا صحنه‌ٔ عملیات را بررسی کرده و آثاری بدست آورند، بصب ساعتی نیرومندی در اتومبیل وی کار گذاشته شد.

پس از خاتمه‌ٔ عملیات اعلامیه ی توضیحی خاصی که برای پخش در صحنه‌ی

www.iran-archive.com

عمل نوشته شده بود پخش گردید و رفقا با شعارهای " زنده باد خلق "، "مرگ بر سازمان امنیت "، " مرگ بر شاه خائن "، منطقه را ترک کردند .

ماموین کمیته پس از رسیدن به محل عملیات برای اینکه هر چه زودتر آثار عملیات چریکها را از دیدهٔ مردم دور کنند، خودشان در اتومبیل او نشسته و به سمت کمیته حرکت کردند .

در ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه درست در سر ساعت پیش بینی شده، در خیابان سپه روبروی فروشگاه مرکزی ارتش بمب منفجر گردید و سر نشینان مزدور اتومبیل را بهلاکت رسانید و به این ترتیب ضربهٔ جانانه ای بر شکنجه گران جلاد وارد آمد .

این انفجار پرقدرت که در یکی از پر رفت و آمد ترین خیابانهای تهران انجام گرفت، دولت شاه را که مدتها بود از اعلام عملیات مسلحانهٔ چریکها خود داری می کرد وادار نمود تا سکوت طولانی خود را بشکند و در جراید خبر اعدام شدن نیک طبع را بنویسد .

با این حال خبر اعدام نیک طبع به صورت تحریف شده و گنگی اعلام شد و همین خبر مسخ شده را خبرگزاری های خارجی و از جمله رادیو لندن پخش کردند. واقع امر اینست که رژیم به خاطر پوشاندن اهمیت مساله خبر را نادرست منتشر کرد :

۱. دولت شاه با تحقیر، نیک طبع را یک کارمند سادهٔ شهربانی معرفی کرد و با این کار خود نشان داد که حتی عالیرتبه ترین مزدوران فقط پول خونشان را از رژیم می گیرند و اگر کشته شوند با تحقیر از آنها یاد خواهد شد . در واقع رژیم چون گرگی گرسنه که پایش به دام افتاده از دریدن پای خود نیز ابائی ندارد .

۲. دولت شاه چون از اعمال قدرت چریکهای فدائی خلق به شدت وحشت زده شده بود برای اینکه حملهٔ چریکها را به اتومبیل در حال حرکت یک مأمور عالیرتبهٔ امنیتی، در خیابان پاستور تهران (جائیکه به خاطر

www.iran-archive.com

داشتن کاخهای شاه و نخست وزیری بیش‌ترین نیروهای پلیسی و امنیتی دولت شاه مستقر هستند) از دیدهٔ خلق بپوشاند و قدرت عملیاتی چریکها را کمتر نشان دهد، نحوهٔ اعدام را انفجار بمبی که از قبل کار گذاشته شده است اعلام کرد.

۳. دولت شاه در یکی از روزنامه‌های عصر، دختر نیک طبع را خردسال معرفی کرد و اعلام نمود که در هنگام انفجار دختر نیک طبع در کنار وی بوده است و گویا مجروح گردیده تا احساسات عده‌ای از مردم را تحریک کند. حال آنکه دختر نیک طبع ۱۸ ساله بوده و رفقا در هنگام شلیک به نیک طبع او را از صحنهٔ عملیات دور کرده بودند. دختر نیک طبع در این عملیات آسیبی ندید. او زنده ماند تا بداند که انقلاب رهائی بخش حتی نسبت بافراد خانوادهٔ کثیف ترین مزدوران، به شرط آن که شخصا دست به جنایت نزده باشند و در اجرای عملیات دخالت نکنند، رحیم و مهربان است و فقط در مقابل بی عدالتی و جنایت بیرحمانه برخورد خواهد کرد.

ما در اینجا به دولت شاه و همه‌ی مزدورانش هشدار میدهیم که این دروغ های بزرگ و بی شرمانه که آخرین تلاشهای مذبوحانهٔ آنها برای جلوگیری از رشد آگاهی خلق است، اثری جز رسوا کردن هرچه بیشتر خود آنها ندارد. زیرا دیگر دوران قدرت نمائی عمای یکجانبهٔ آنها گذشته است و حقیقت انقلابی خیلی زود آشکار می‌شود.

نیک طبع که بود؟

نیک طبع یک مامور عالیرتبهٔ اداره‌ی اطلاعات شهربانی بود که از سالها پیش در دستگیری و شکنجهٔ مبارزین سیاسی فعالانه شرکت میکرد. او در سال ۵۰ و در دستگیری و شکنجهٔ مبارزین انقلابی میهن ما نقش بسیار زیادی ایفا کرد. در سال ۵۱ که کمیتهٔ باصطلاح "ضد خرابکاری" برای جلوگیری از گسترش فعالیتهای انقلابی تشکیل شد، نیک طبع در این دستگاه

www.iran-archive.com

ویژه بعنوان یکی از اداره کنندگان و رهبران کمیته مشغول کار شد و در دو سال اخیر وظیفه سر بازجوئی در دستگاه کمیته را بر عهده داشت.

کمیته باصطلاح ضد خرابکاری به چه دلیل تشکیل شد و کار آن چیست ؟

پس از آغاز مبارزه مسلحانه توسط فرزندان راستین خلق میهن ما، در سال ۴۹ دولت شاه به طور ناگهانی خود را با موجی از مبارزه خشن و قاطع خلق روبرو دید. شاه که بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد یکه تاز میدان شده بود و از جانب نیروهای خلق زیر ستم ضربه ای نخورده بود، با کمال وحشت مشاهده کرد که هر روز از طرف چریکهای انقلابی ضربه تازه ای میخورد. شاه در آغاز احمقانه سعی کرد با نسبت دادن "خرابکار و قاتل" به چریکهای انقلابی، خلق را فریب دهد، تا شاید بتواند با استفاده از این فریب، مردم را تشویق به همکاری با پلیس نماید و جنبش را که تازه بوجود آمده بود و هنوز از طرف خلق ناشناخته بود، نابود سازد. در تعقیب همین هدف ها بود که دولت شاه تظاهرات بسیار وسیع باصطلاح "ملی" تشکیل داد. در این تظاهرات قلابی، دولت شاه، با زور سر نیزه و باطوم و خرج مبالغ گزاف عده ای از کارمندان شریف و کارگران و دهقانان زحمتکش را در میدان سپه جمع کرد.

منظور از این اقدام ناشیانه، ظاهرا این بود که گویا مردم ایران خواستار اعدام "خرابکاران" هستند. شاه همچنین میخواست در مقابل نیروهای انقلابی و خلق ایران قدرت نمائی کند و به اصطلاح روحیه آنها را تضعیف نماید. اما عملیات انفجاری چریکهای فدائی خلق همراه با همکاری فعال مردم مبارز تهران تظاهرات را به کلی در هم ریخت و مشت محکمی بر دهان شاه جنایت پیشه کوبید.

بعد از این شکست مفتضحانه، شاه شدیدا به وحشت افتاد و پی برد که برای مبارزه با جنبش مسلحانه نمی تواند کوچکترین

www.iran-archive.com

امیدی به همکاری خلق داشته باشد و فقط باید به نیروهای نظامی و سرکوب کننده اش و به همکاری آمریکائیها و انگلیسی ها تکیه کند. بر این اساس، در اواخر سال ۵۰ یعنی درست یکسال بعد از آغاز جنبش مسلحانه به نیروهای نظامی و امنیتی (سازمان امنیت، شهربانی و ژاندارمری) دستور داد در یک کمیته مشترک بنام "کمیته ضد خرابکاری" با همکاری یکدیگر فعالیت شدید و هماهنگی را بر ضد جنبش مسلحانه انجام دهند. در یکی از اولین جلسات این "کمیته" یکی از مسئولین و رهبرانشان چنین اظهار داشت: "سال ۵۱ برای ما سال سرنوشت است. اگر در عرض این یکسال جنبش چریکی را در نطفه نابود سازیم، لااقل تا ۲۰ سال دیگر می توانیم از بابت شروع شدن مجدد جنبش، خلق خیالمان راحت باشد و با آسودگی به سیادت و آقائی خود ادامه دهیم. ولی در غیر این صورت با جنگی طولانی درگیر خواهیم شد که در آن تمام مردم ایران با هر وسیله ای که بتوانند با ما خواهند جنگید و این جنگ پایانی نخواهد داشت جز نابودی ما. از این جهت ما باید با تمام قدرت و با بی رحمی هر چه بیشتر به سرکوبی جنبشی که شروع شده است بپردازیم".

بزودی گروه های ۴ تا ۵ نفری از بین کثیف ترین، بی ناموس ترین و وحشی ترین کادرهای شهربانی و ژاندارمری و سازمان امنیت بعنوان گروه های ضربت و گشتی تشکیل شد. این گروه ها اغلب بوسیله ی ماشین پیکان در کوچه و بازار گشت میزدند و به هر کسی که مشکوک میشدند با تهدید اسلحه او را بازرسی بدنی می کردند. اگر هم انسان شریفی قصد کوچکترین مقاومتی را می کرد او را به رگبار مسلسل میبستند یا به باد مشت و لگد و رکیکترین فحشها و ناسزاها می گرفتند. در همان جلسات به مامورین گشتی گفته شده بود: "شما موظف هستید در خیابانهای شهر چریکها را پیدا کنید و دستگیر نمائید

یا به طرف آنها تیر اندازی کنید و آنها را بکشید . اگر هم اشتباهی رخ داد و بجای چریکهای مسلح ، مردم عادی و غیر مسلح را کشتید ، دولت از شما حمایت خواهد کرد . ما یا از انتشار اخبار مربوط به این جنایات خود داری می کنیم و یا اینکه از طریق دستگاه های تبلیغاتی خود ، رادیو و تلویزیون و روزنامه ها به مردم اعلام میکنیم که چریک ها مسئول این جنایات بوده اند و به این ترتیب گناه این کشتار ها را به گردن آنها خواهیم انداخت" . همچنین در این جلسات به مامورین بازجوئی چنین تعلیم داده شد که در شکنجه کردن انقلابیون و هر کسی که به او مشکوک هستند آزادی عمل دارند و اگر کسی زیر شکنجه کشته شد یا ناقص العضو گردید ، دولت از کمیته حمایت خواهد کرد . با یک چنین برنامه ای کمیته هماهنگی به اصطلاح ضد خرابکاری کار خود را در بهار سال ۱۵ آغاز کرد .

سال ۱۵ همراه بود با آدم دزدیهای وسیع خیابانی توسط گشتی های کمیته .

بطوری که گشتی ها جلو هر کس را که میخواستند می گرفتند و با بی شرمی تمام ، مردم و حتی بعضی اوقات زنها را مورد بازرسی بدنی قرار می دادند . در این سال دهها تن از هم میهنان ما در کوچه و بازار قربانی بازرسی های وحشیانه مامورین کمیته شدند . در این سال همچنین تعداد زیادی از هم میهنان مبارز ما ، کارگران ، دانشجویان ، بازاریان و روحانیون ، بازجوئی و شکنجه شده و مورد وقیحانه ترین توهین ها و وحشیانه ترین آسیب های جسمی قرار گرفتند .

بهر حال در سال ۱۵ مامورین کمیته باصطلاح ضد خرابکاری طبق دستور شاه جنایتکار به هر جنایتی دست زدند تا شاید بتوانند چریکها را نابود سازند . ولی سال ۱۵ هم گذشت و شاه نه تنها نتوانست نطفه های مبارزه مسلحانه را نابود سازد بلکه با جوانه زدن نطفه جریان انقلابی در میان خلق روبرو گردید . از سال ۱۵ به بعد وظیفه کمیته فقط مبارزه با چریک های

www.iranarchive.com

انقلابی نبود ، بلکه جلوگیری از مبارزات قهرمانانهٔ توده ها و سرکوب آن نیز در دستور کار کمیته قرار گرفت . ماموران کمیته هر بار که در کارخانه ای اعتصاب می شد به آنجا هجوم می بردند و فعالین اعتصاب را دستگیر کرده بوسیلهٔ کابل سیمی و شوک الکتریکی و بیخوابی های طولانی در سلولهای انفرادی ، شکنجه می کردند . کارگران مبارز کارخانجات کفش ملّی ، ایرانا ، جهان چیت ارج ، قرقره زیبا و دهها کارخانهٔ دیگر که در دو سال اخیر دست به اعتصابات شجاعانه زده اند ، هرگز وحشی گری های ماموران کمیته را فراموش نمیکنند . اکنون به بسیاری از کارگران مبارز نیز نسبت خرابکاری می دهند و بسیاری از آنها را به جرم خرابکاری در دستگاه های کارخانه ها به دادگاه و زندان می کشانند . در این مدت دانشجویان دانشگاه های تهران نیز از هجوم های وحشیانهٔ مامورین کمیته در امان نبوده اند . آنها در هر اعتراض و اعتصاب صنفی خود با دخالت خشونت آمیز مامورین کمیته مواجه شده اند . یورش های مکرر کمیته به خوابگاه های دانشجویان (کوی دانشگاه) در نیمه شب ها یکی از شیوه های دستگیری دانشجویان آزادی خواه بوده است . در یکی از عملیات حمله بکوی دانشگاه ، نیك طبع خائن شخصاً فرماندهی عملیات را برعهده داشت و چهرهٔ پلید و رذل خود را در آنجا نیز به بهترین روی نشان داد . دانشجویان مبارز هرگز خاطرهٔ شهدای خود را که در رابطه با وحشیگری های کمیته به قتل رسیده اند از یاد نخواهند برد .

در این دو سال اخیر مامورین کمیته به مقیاس وسیع تری نیز به اعمال جنایت کارانه دست زده اند . یك نمونه از این اعمال ، هجوم های ناگهانی به کتابفروشیها و به غارت بردن کتابهای آنهاست . طی این یورشها ، مامورین کمیته هر کتابی را که با شعور ناقص خود کتاب سیاسی تشخیص می دادند و بنظر آنها می رسید که کتاب فوق آگاهی خلق را بالا می برد در لیست

www.iran-archive.com

سیاه می گنجاندند و با خود به اداره ی شهربانی می بردند. "کتاب سوزان" وسیعی که کمیته براه انداخت نشانه ٔ آخرین تلاشهای مذبوحانه ٔ دولت شاه برای جلوگیری از رشد آگاهی انقلابی در میان خلق بود.

نیك طبع در کمیته ٔ باصطلاح "ضد خرابکاری" چگونه خوش خدمتی می کرد؟

سرگرد نیك طبع درعرض خدمت خود در دستگاه کمیته بیش از صدها نفر از مبارزین را اعم از "جریکهای فدائی خلق"، مجاهدین خلق ایران، سایر گروه های انقلابی، کارگران اعتصابی کارخانجات، دانشجویان مترقی وآزادیخواه دانشگاه ها، معلمین حق طلب و روحانیون عدالتخواه را شخصا مورد شکنجه و بازجوئی قرار داده بود. بسیارند مبارزینی که در اثر شکنجه های او به نقص عضو و ناراحتی های جسمانی دچار شده اند. نیك طبع این جانور کثیف در مورد زنان مبارز علاوه بر شکنجه های جسمانی با بی شرمی و بیناموسی تمام، از شکنجه های روانی نیز استفاده میکرد.

بسیاری از مبارزین و کسانی که مدتی را در زندانهای شاه گذرانده اند او را بخوبی می شناسند و از درجه ٔ نوکریش نسبت به رژیم ننگین شاه مطلعند. مبارزینی که مدتی در سلولهای کمیته به سر برده اند بخوبی به یاد دارند که او با چه وقاحتی با مبارزین در بند سخن می گفت و قدرت کذائی دولت شاه را به رخ آنها می کشید. بیاد دارند که او شلاق بدست درحالیکه رکیك ترین ناسزاها بر زبانش می گذشت از این سلول به آن سلول می رفت و تهدید کنان میخواست به مبارزین بقبولاند که شما ضعیف هستید و کاری از شما ساخته نیست.

یکی از بزرگترین جنایت های این جلاد کثیف کشتن رفیق قهرمان و محبوب ما بهروز دهقانی بود که در بهار سال ۵۰ پس از هفته ها شکنجه به شهادت رسید. انگیزه ٔ قتل رفیق بهروز، مقاومت کم نظیر او در زیر انواع شکنجه های دشمن بوده است.

www.iran-archive.com

نیک طبع و دار و دسته اش، وقتی نتوانستند راجع به سازمان از رفیق بهروز اطلاعی بدست آورند در آخرین تلاش، عمای مذبوحانه شان باین امید که رفیق را بحرف بیاورند زیر شکنجه او را کشتند. اما رفیق که عشق به خلق رنج کشیده و کینه بدشمن را از دوران کودکی و آغاز جوانی خود از همان روزهائی که با رفیق صمد بهرنگی در روستاهای آذربایجان به آموزش کودکان روستائی اشتغال داشت در قلبش سخت پرورده بود، دشمن را در مقابل ایمان محکم و اراده، پولادین خود به زانو درآورد.

نیک طبع این وقیح بی شرم همان کسی بود که در شکنجه و بازجوئی از رفیق قهرمان ما اشرف دهقانی از بیشرمانه ترین اعمال فروگذار نکرد. رفیق اشرف دهقانی پس از فرار شجاعانه اش از زندانهای شاه در کتاب حماسه، مقاومت که از جانب سازمان ما منتشر شده است بی عفتی ها و وحشیگری های نیک طبع را به تفصیل شرح داده است و به وضوح نشان می دهد که چگونه نه مزدوران شکنجه گر دشمن و در راس آنها نیک طبع به انواع وسایل از قبیل اشکال مختلف تجاوز، شوک الکتریکی روی اندامهای حساس بدن، انداختن مار بر روی بدن، خوراندن مدفوع و سوزاندن قسمتهای مختلف بدن با منقل برقی و بالاخره ضربات شلاق با کابل می کوشند که اراده، مبارزین را در هم بشکنند و آنها را وادار به افشای اسرار انقلاب سازند. رفیق دهقانی در این کتاب نشان میدهد که چگونه خودش و سایر رفقای رزمنده، ما مانند رفقا، مسعود احمدزاده، شاعرخ هدایتی، سیروس سپهری، بهروز دهقانی، همایون کتیرائی و مجاهد قهرمان علی اصغر بدیع زادگان در مقابل تمام این وحشیگری ها به خاطر حفظ نوامیس انقلاب ایستادگی کردند و هرگز تن به خفت نداده در مقابل دشمن حتی لب به سخن نگشودند شکنجه گران مزدور چشمان رفیق شاعرخ هدایتی را از کاسه درآوردند ولی لبانش را نتوانستند از هم بگشایند.

www.iran-archive.com

چرا نیک طبع را کشتیم؟

خلق زحمتکش ایران!

خواهران و برادران ستمدیده!

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد که شاه خائن به کمک آمریکائی ها و انگلیسیها دوباره بر سرکار آمد به آمریکائی ها اختیار کامل داد تا با استفاده از تجربیاتی که در سرکوبی جنبش های انقلابی جهان دارند، با هر وسیله ای که میتوانند مبارزات خلق میهن ما را سرکوب کنند. برجسته ترین کارشناسان آمریکائی به ایران آمدند تا بالاخره در سال ۱۳۳۵ یک دستگاه کثیف جاسوسی به نام "سازمان امنیت" تشکیل دادند. وظیفه این دستگاه این بود تا در هرجا صدای آزادیخواهی و حق طلبی بگوش میرسد آنرا با زندان و شکنجه و تیرباران جواب دهد. از آن سال تا به حال این سازمان منحوس با اختیارات نامحدودش آنقدر جنایت کرده است که شرح آنها در یک کتاب مفصل می گنجد. همچنین یکی از وظایف این سازمان کثیف این بود که خلق را از قدرت دولت شاه بترساند و به خلق وانمود سازد که در مقابل قدرتی مثل قدرت دولت شاه و امپریالیزم آمریکا بسیار ناتوان وضعیف است. از آن سال تا قبل از آغاز جنبش مسلحانه، خلق ما در حالی که زیر ستم شاه و اربابان بیگانه اش غارت میشد و خون و عرق میریخت نمی توانست دم بر بیاورد. در طی این سالها گروه هائی از بهترین فرزندان خلق که جرات مبارزه به خود میدادند بدست جلادان سازمان امنیت سپرده میشدند، بدون اینکه بتوانند ضربه ای بدشمن بزنند.

اما بالاخره مبارزه مسلحانه خلق ما آغاز شد. چندین گروه و سازمان سیاسی (سازمان چریکهای فدائی خلق، سازمان مجاهدین خلق ایران، گروه آرمان خلق و ...) باین نتیجه رسیدند که مبارزه مسلحانه تنها راه رسیدن به آزادی و پیروزی توده هاست. سازمان ما با حمله بپاسگاه ژاندارمری سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ آغاز مبارزه مسلحانه را اعلام نمود و پس از آن نیز با حمله به

www.iran-archive.com

کلانتریها و تصاحب سلسله های اسرائیلی پلیس شاه و بسب گذاشتن در موسسه های آمریکائی و انگلیسی و کشتن اشخاص جنایت کار، به خلق نشان داد که دشمن با وجود تمام ادعاهایش و با وجود تمام اسلحه های آمریکائی و اسرائیلی اش در مقابل قدرت مسلح خلق ناتوانست.

ما در مرداد ماه امسال فاتح خائن را که مسبب اصلی کشتار بیش از ۲۰ تن از کارگران زحمتکش جهان‌چیت بود اعدام کردیم، زیرا میخواستیم بخلق زحمتکش ایران نشان دهیم که در مقابل قدرت مسلح شاه قدرت مسلح خلق قرار دارد و این قدرت مسلح خلق از مبارزات حق طلبانه توده‌های تحت ستم بیدریغ حمایت می کند.

اعدام نیك طبع جلاد نیز پاسخی بود به جنایت های بیحد و حصر دستگاه های امنیتی دولت شاه و قدرت نمائی های آنها در مقابل مبارزین آزادی خواه و میهن پرستی که در زندان حکومت شاه دلیرانه مقاومت میورزند. اعدام نیك طبع سر آغاز انتقام خلق ماست از مزدوران شکنجه گری که بی محابا با وحشیگری تمام به شکنجه و آزار عزیزترین فرزندانش در شکنجه گاهها و در زندانهای قرون وسطائی شاه خائن مشغول هستند. مزدوران خیانت پیشه ای که سالهای سال میدان را خالی دیده و بهر جنایتی نسبت بخلق ایران دست زده اند بدون اینکه از جانب خلق ضربه بخورند، باید بدانند که پس از آغاز مبارزه مسلحانه هرگز روی خوش نخواهند دید و سرآسوده بر بالین نخواهند گذاشت. اعدام نیك طبع تنها بخش کوچکی از انتقام کبیر خلق بود. خلقی که بیرحمانه غارت میشود و از هرگونه وسائل رفاه و آسایش محروم است. از این پس نیك طبع ها باید بدانند که دیگر گذشته است آن دورانی که این مزدوران خود فروخته هر آزار و شکنجه ای را نسبت به زندانیان سیاسی و هر تجاوزی را نسبت به مال و جان و ناموس مردم اعمال کنند و همچگونه بیمی از انتقام خلق نداشته باشند. اینك خلق ما راه پاسخ دادن به

www.iran-archive.com

زورگوئی را آموخته است و بیش از این اجازه‌ی قدرت نمائی به این سگهای دستپرورده‌ی بیگانگان نخواهند داد. ما در اینجا صریحا اعلام میکنیم که هر گونه خشونت و فشار روحی وجسمی را نسبت به زندانیان سیاسی و خانواده های شریف آنها با خشونت هر چه تمامتر جواب خواهیم داد و مزدوران خود فروش دشمن را به سزای اعمال جنایتکارانه‌ی خود خواهیم رساند. همچنین ما در حالیکه به ماموران جزء پلیس مثل پاسبانها اعلام میکنیم که میدانیم بسیاری از آنها تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و بیکاری مجبور شده اند به این قبیل مشاغل ضد خلقی روبیاورند، به عمده شکنجه گرها و ماموران دستگاه امنیتی دولت شاه هشدار میدهیم که هدف گلوله های ما در درجه‌ی اول سینه‌ی نوکرهای خودفروخته و وکاسه لیس شاه میباشد. این مزدوران جنایتکار که در پناه ماموران جزء سنگر گرفته و آنهارا سپر حفظ زندگی کثیفشان قرار میدهند باید بدانند در هر جا که پنهان شوند از چنگال عدالت انقلابی خلق کبیر ایران راه گریزی ندارند و بالاخره دیر یا زود بسزای اعمال ننگین خود خواهند رسید. تاریخ مبارزات خلق ما این امر را اثبات خواهد کرد. بگذار شاه و شکنجه گرهایش، چون خرس زخم خورده بخود بپیچند، خلق مبارز ایران راه گلوله در مقابل گلوله را در پیش گرفته است.

"خون جواب هر خون" اینست پاسخ نهائی خلق ما به دشمنانش.

جاودان باد خاطره‌ی شهدای جنبش نوین رهائی بخش
افتخار بر تمام زندانیان سیاسی میهن که با مقاومت و
پایداری قهرمانانه‌ی خود جنبش نوین خلق را استحکام میبخشند
نابود باد دولت ضد خلقی وضد کارگری محمد رضا شاه خائن

"چریکهای فدائی خلق"

www.iranarchive.com